

## شفاعت و توهمات وهاپیت (2)

## شفاعت و توهّمات و هابیت (2)

علما و اندیشمندان جهان اسلام با توجه به وسعت مفهومی و مصداقی مساله شفاعت، تقسیم بندیهای متفاوتی را نسبت به این موضوع ارائه نموده اند. از جمله می توان به تقسیم بندی موضوعی شفاعت تکوینی و شفاعت تشریحی اشاره کرد. بنابراین در این مقاله دامنه مفهومی مساله شفاعت را در قالب گونه شناسی و تقسیم بندی های مقتضی در آن، مورد بررسی قرار گرفته خواهد شد.

در بخش پیشین به ساختار مفهوم لغوی و اصطلاحی واژه شفاعت پرداخته و اعتقاد به آن را در فرهنگ دینی مسیحیت و یهود، مورد بررسی و ارزیابی قرار دادیم. با توجه به وسعت و اهمیت گستره موضوعی مساله شفاعت زبیده است، پیش از آنکه متذکر اختلافات و شبهات وارده به مساله شفاعت شویم، این بخش را به محورهای مهم که حول مساله شفاعت مطرح شده و به تبیین مفهومی این موضوع بیشتر کمک می کنند، اختصاص داده، و با نگاهی عقل گرا و مبتنی بر کلام وحی، دقت نظر بیشتری را صرف بررسی مفهومی مساله شفاعت در دین اسلام نماییم.

از این رو در این گفتاربر آئیم تا دامنه مفهومی مساله شفاعت را در قالب گونه شناسی و تقسیم بندی های مقتضی در آن، مورد بررسی و ارزیابی قرار دهیم.

### گونه شناسی مفهومی شفاعت:

علما و اندیشمندان جهان اسلام با توجه به وسعت مفهومی و مصداقی مساله شفاعت، تقسیم بندیهای متفاوتی را نسبت به این موضوع ارائه نموده اند. از جمله می توان به تقسیم بندی موضوعی شفاعت تکوینی و شفاعت تشریحی اشاره کرد. شفاعت تشریحی نیز با توجه به ادبیات کلام وحی به شفاعت رهبری، و شفاعت تفضلی یا شفاعت مغفرت، تقسیم گردیده که هر یک از این تقسیمات گویای کارکردی خاص در مساله شفاعت است.

### الف: شفاعت تکوینی

گستره مصداقی مساله شفاعت در دامن طبیعت و یا در هیاهوی زندگی روزمره انسانی، دامنه زیادی دارد. چنانکه گذشت، در فرآیند شفاعت منزلت شفاعت کننده با دیگر عوامل نجات موجود در شخص شفاعت شونده، که از آن جمله استعدادها و ظرفیت های درونی اوست، همراه گردیده و این دو با هم مایه نجات می شوند، که این مساله به وفور در فرآیند منطقی حیات دنیوی به چشم می خورد. چنانکه عواملی مانند آب، خاک، و نور، به عنوان عوامل مقوم در روند رشد بذر تاثیر گذارده و به فعلیت رسیدن استعداد رشد و ظرفیت تبدیل به یک گیاه را در آن ایجاد می کنند. انسان نیز در گستره حیات جامعه بشری، برای جلب منافع مادی و دفع ضرر به اسباب طبیعی و سلسله علل و عواملی متوسل می شود، که این علل و اسباب می توانند به عنوان واسطه میان خدا و انسان، اسباب انتشار و بسط رحمت الهی به شمار آیند. قالب مثالی این مفهوم در زمانی که انسان برای رفع درد گرسنگی، و بیماریها از غذا و دارو استفاده می کند، به چشم می آید. در این برهه، تاثیرگذاری طعام و دارو، به عنوان مثالی، نازل منزله مفهوم

شفاعت درعالم تکوین گردیده و استعداد و ظرفیتهای انسان را در بر طرف نمودن مشکلاتی از این دست یاری می کند.

پیشوایان باطل نیز که موجب ضلالت و گمراهی دیگران شده اند، در آن روز پیروان خود را به سوی مجازات و کیفر اعمال رهبری کرده و در واقع شفیع و واسطه ی آنان در رسیدن به عذاب های الهی می گردند

گر چه معمولاً در عرف در چنین مواردی لفظ شفاعت را بکار نمی بریم ولیکن استعمال لفظ شفاعت بر این اسباب را نیز نمی توان خارج از حقیقت و به نحو مجاز دانست. با این همه برخی از اندیشمندان و علمای برجسته اسلامی مفهوم شفاعت را منحصر به عالم تشریح و معنویت دانسته و معتقدند که انسان هرگز درباره منافع و ضررهایی که اسباب و حوادث طبیعی آن را تأمین می کنند، متوسل به شفاعت نمی شود. چرا که هنگامی که گرسنگی بر او غلبه می کند بی آنکه دست به دامن اسباب غیر طبیعی شود، برخاسته و برای خود غذایی فراهم می کند. علامه طباطبایی، صاحب تفسیر المیزان اطلاق مفهوم شفاعت را در شفاعت تشریحی مناسب تر دانسته، در حالیکه انطباق این مفهوم را در شفاعت تکوینی نیز بسیار روشن و واضح می داند:

«اما انطباق معنای شفاعت بر جهت اول - جهت تکوین - و اینکه اسباب و علل وجودی کار شفاعت را بکنند، بسیار واضح است؛ برای آنکه هر سببی واسطه است میان سبب فوق و مسبب خودش، و روی هم آنها از صفات علیای خدا یعنی رحمت و خلق و احیاء و رزق و امثال آن استفاده نموده و انواع نعمتها و فضل ها را گرفته به محتاجان آن می رسانند.» (1)

با این بیان، همه ی علل و عوامل طبیعت، مجرای فیض خداوند می باشند و هر سببی، واسطه ی رساندن فیض و مسبب و معلولش است. علل تکوینی، مخلوق ذات باری تعالی هستند و از خود هیچ گونه استقلال وجودی ندارند، وجود آنها از اوست و از صفات عالییه ی پروردگار استمداد می جویند و در حقیقت منشأ نشر رحمت و فیض وجود، صفات عالی پروردگار از جمله حیات، خالقیت، رازقیت و رحمانیت خداوند است که منشأ حیات، رزق، خلق و غیر آن می شود. بنابراین، شفیع حقیقی در رسیدن فیض وجود و نشر و گسترش رحمت و نعمت ها ذات باری تعالی است و شفیع مطلق، اوست. خداوند است که اسباب و علل را ایجاد نموده و آنها را واسطه در رسیدن فیض وجود و رحمت و اسعه اش قرار داده است.

بنابراین، اگر موجودی غیر از خداوند، شفیع قرار گیرد و شفاعت نماید، چه در مرحله ی تکوین و چه در مقام مغفرت و آمرزش اخروی، همه به اذن او و برانگیخته شده از ناحیه ی اوست.

ب: شفاعت تشریحی

در روند سعادت و کمال انسان از سوی خدای متعال، دو محور و معیار اصلی قرارداد شده است: یکی اصل حکم و قانون و دیگری مجازات در مقابل تخلف از قانون و یا پاداش در مقابل عمل به آن؛ برای رسیدن به سعادت و نیل به کمال انسانی و یا به تعبیر دیگر برخورداری از ثواب های اخروی و نجات از مجازات های الهی، راه عاقلانه و صحیح آن است که به دستورهای الهی عمل شود و از پیامبران و رهبران الهی که واسطه ی ابلاغ این احکام و قوانین آسمانی هستند پیروی شود. در نتیجه کسانی که از رهبران الهی پیروی نموده و قوانین و دستورهای الهی را عمل کنند قهراً به ثواب ها، پاداش ها و کمالات مادی و معنوی نایل می گردند و از کیفرها و مجازات های تخلف از احکام و قوانین مصون خواهند ماند.

از سویی نیز مبرهن است که پاداش ها و آثار اعمال، مخصوص به جهان آخرت نیست بلکه پاره ای از اعمال و دستورهای الهی، آثار خوب یا بد خود را در این عالم نیز نشان خواهند داد؛ یعنی علاوه بر مجازات یا پاداشی که معصیت یا اطاعت در جهان آخرت در پی دارد، در این جهان نیز

آثار خوب یا بدی را به همراه خواهد داشت.

در این راستا تبعیت از رهبران الهی و عمل به وظایف و دستوره‌های آسمانی نیز نوعی شفاعت است که در صورت ضمیمه شدن به انسان، موجب نیل به سعادت و کمال انسانی گشته و انسان را از مجازات‌ها محفوظ می‌دارد و به پاداش‌ها و رسیدن به رضوان الهی منتهی می‌گردد.

این قسم از شفاعت را می‌توان شفاعت تشریحی نامید، چرا که ریشه و بن مایه آن تشریح و قانون‌گذاری است که شفیع و واسطه‌ی رسیدن انسان به کمالات و سعادت دنیوی و اخروی شده است. هم‌چنین می‌توان آن را شفاعت عمل نامید، زیرا عمل ضمیمه و شفیع انسان شده، او از عذاب و مجازات‌ها گشته و به ثواب و پاداش عمل می‌رسد.

گونه شناسی شفاعت تشریحی:

شفاعت تشریحی در ادبیات دینی اسلامی دارای انواع و گونه‌های متفاوتی است، اساس مسأله تشریح، حاکمیت قوانینی است که در بر دارنده اوامر و نواهی ساحت ربوبی به انسان بوده و استعداد انسان را در مسیر تعالی توحیدی قرار می‌دهد. در راستای این قوانین، شفاعت تشریحی نیز شکل گرفته و در گونه‌های مختلفی خود را به ما می‌نمایاند.

1- شفاعت تشریحی درعالم دنیا:

تمامی مسلمانان، درباره این شکل و نمونه از شفاعت اتفاق نظر داشته و آنرا در قوانین این جهانی دین اسلام، جاری و ساری می‌دانند. مورد اتفاق در این موضوع، شفاعتی است که در دنیا مؤثر بوده و موجب آمرزش فرد شفاعت‌شونده، و قرب او به درگاه الهی می‌شود.

بر اساس روایات و آیات قرآن برخی از جمله شفیعیانی که در این دنیا و تا پیش از مرگ انسان می‌توانند شفاعت او را بر عهده گیرند ایمان به رسول خدا (2)؛، توبه (3)؛ کتابهای آسمانی (4)؛ ملائک مقرب (5). عمل صالح (6)، هر آنچه با عمل صالح مرتبط است مانند مساجد، ایام الله و رسولان الهی (7) هستند.

با این همه قابل ذکر است که از نظر عرف، باز هم به تأثیر چنین عواملی شفاعت اطلاق نمی‌شود؛ از سویی نیز این گروه از شفیعیان با آنکه هم از نظر کمیت و تنوع و هم از حیث میزان تأثیر و اطمینان به آن با قسم دوم شفاعت تشریحی قابل قیاس نیستند ولیکن بطور معمول مورد غفلت قرار می‌گیرند.

2- شفاعت تشریحی در آخرت و قیامت

هنگامی که فردی بر خلاف خواست و اراده قانونگذار و بر خلاف مسیر قانون‌کاری می‌کند و مستوجب عقاب و محرومیت از حقوق می‌گردد، اگر برای فرار از مجازات و محرومیت خود بتواند با توسل به دوستانش و از راه رابطه از چنگ قانون فرار کند و برای همیشه از مجازات برهد، در واقع او از شفاعت نادرست و ظالمانه بهره‌گرفته و شفاعت به نفع او نیز عین ظلم است. چرا که هرگز چنین شفاعتی که اساساً بر مبنای رابطه انجام می‌شود در آخرت وجود ندارد.

برخی از جمله شفیعیانی که در این دنیا و تا پیش از مرگ انسان می‌توانند شفاعت او را بر عهده گیرند ایمان به رسول خدا؛ توبه؛ کتابهای آسمانی؛ ملائک مقرب. عمل صالح، هر آنچه با عمل صالح مرتبط است مانند مساجد، ایام الله و رسولان الهی هستند.

بسیاری از اعتراضاتی که مخالفین درباره موضوع شفاعت مطرح کرده‌اند، در واقع متوجه این معنای ناصحیح است و تعالیم دینی بویژه قرآن کریم پیش از همه مخالفان با چنین تفسیری از شفاعت مقابله می‌نماید.

در مقابل چنین تصویری می‌توان صورت دیگری از شفاعت را مطرح نمود که نه تنها صحیح و

عادلانه است بلکه هیچ مغایرتی هم با قانون و اراده قانونگذار ندارد و تحقق آن نیز به معنی نقض و تبعیض در قانون بشمار نمی آید. این نوع شفاعت با قسم قبل هیچ گونه شباهتی نداشته و لذا هیچ یک از ایرادها و اشکالات مخالفین بر آن وارد نیست.

الف: شفاعت تفضلی یا شفاعت مغفرت

آن چه تاکنون از اقسام شفاعت بیان گردید، گرچه از مصادیق حقیقی شفاعت به معنای لغوی بود و بر پاره ای از آنها نیز در روایات و احادیث، کلمه ی "شفیع" و مانند آن اطلاق شده است و اگر این موارد را "شفیع" بنامیم، این واژه را به حق به کار برده ایم؛ ولی هیچ یک شفاعت اصطلاحی و مورد نظر آیات قرآن نیست. شفاعت اصطلاحی؛ آن است که وساطت برای مغفرت، عفو و بخشودن گناهان در روز قیامت صورت بگیرد و علاوه بر شفاعت رهبری، این قسم از شفاعت آماج ایرادها و اشکال ها قرار گرفته است. شفاعت تفضلی و یا مغفرت شفاعتی است که شخص واسطه شود تا عبد گناهکاری بخشیده شود و یا علاوه بر آن مایه افزایش پاداش و ترفیع درجه او نیز باشد. باید این نکته را دانست که در نظام آفرینش همیشه سابقه رحمت الهی بر این بوده است که اصل شفاعت، علاوه بر گامهایی که خود انسان در جهت سعادت بر میدارد، مساعی انسان می باشد و این واقعیتی است در نظام هستی که اصالت از آن رحمت و سعادت و رستگاری است و کفر و فسوقها و شرورها عارض و غیر اصل است به طور مثال در نظام هستی یکی از جلوه های رحمت الهی نمود تطهیر است. با چنین شفاعتی صحیفه اعمال انسان از گناه و آلودگی پاک می گردد ولی مقامات معنوی برای فرد ایجاد نمی شود. به عبارت دیگر، این شفاعت حداکثر می تواند موجب ابراء ذمه و بیرون آمدن فرد گناهکار از گروهی اعمال خود شود.

از آنجایی که این قسم مغفرت از سر تفضل و لطف خدا شامل حال انسان می شود آن را شفاعت تفضلی نامیده اند.

در جریان این شفاعت، بنده گناهکار با اعمال خود وسایل آمرزش خود را فراهم نمی کند ولی خدا به جهاتی و با وساطت ضابطه مند واسطه گانی او را مورد آمرزش قرار می دهد.

ب: شفاعت رهبری

و اما شفاعت رهبری و یا عملی یعنی این که انسان در پرتو کمک های دیگری از گمراهی و در نتیجه از عذاب الهی نجات یابد مثلاً پیامبران و امامان و قرآن مایه نجات انسان از شقاوت و بدبختی و عذاب دوزخ شدند و از این جهت شفیع از شفیعان الهی هستند در روایات اسلامی به این نوع از شفاعت تصریح شده است.

به بیان دیگر با توجه به اینکه تمام اعمال و رفتاری که انسان در این عالم انجام می دهد، در جهان دیگر تجسم می یابد و به صورت های واقعی خود جلوه گر می شود؛ نه تنها اعمال بلکه روابط معنوی و مادی نیز که در این عالم بین مردم برقرار بوده است در آن جهان، صورت عینی و خارجی پیدا می کند. اگر شخصی در این جهان، سبب هدایت دیگری شود، رابطه ی رهبری و پیروی بین آن دو، در قیامت به صورت عینی در می آید؛ شخصی که در این عالم امام و هادی بوده است، در آن جهان نیز به صورت امام و پیشوا و شخص هدایت شده به صورت مأموم و پیرو ظاهر می گردند و پیشوایان حق، پیروان خود را در قیامت به سعادت ابدی می رسانند و شفیع و واسطه ی آنان در رسیدن به کمالات و نعمت های الهی می شوند و پیشوایان باطل نیز که موجب ضلالت و گمراهی دیگران شده اند، در آن روز پیروان خود را به سوی مجازات و کیفر اعمال رهبری کرده و در واقع شفیع و واسطه ی آنان در رسیدن به عذاب های الهی می گردند، بدین لحاظ یکی از اقسام شفاعت را باید "شفاعت رهبری" دانست.

خداوند در قرآن می فرماید:

(یوم ندعوا کل أناس بامامهم...); (8)

روزی که هر جمعیتی از مردم را با امام و پیشوای آنان می خوانیم.  
و در مورد فرعون نیز می فرماید:

(يقدم قومه يوم القيامة فأوردهم النار...); (9)

(فرعون) پیشاپیش پیروانش حرکت می نماید، پس آنان را وارد آتش می نماید.

همانا این نوع از شفاعت از مصادق حقیقی شفاعت است چرا که تعالیم پیامبران و امامان باعمل و ایمان انسان ها ضمیمه شده و باعث سعادت انسان می شود و هیچ گونه مجاز گوپی در این خصوص وجود ندارد، لکن این نکته قابل ملاحظه است که ظرف وقوع این شفاعت در دنیا می باشد نه در آخرت؛ چرا که تعالیم پیامبران و حضرات معصومین در این دنیا است هر چند نتیجه آن در آخرت ظاهر می شود و روی این اساس نمی توانیم آیات شفاعت را مرتبط به این نوع از شفاعت بدانیم. چرا که آیات شفاعت دلالت کامل دارد بر این که مسئله شفاعت در آخرت تحقق پیدا می کند نه آن که اصل شفاعت در این جهان و نتایج آن در جهان دیگر باشد. چنانکه قرآن کریم می فرماید:

اگر شخصی در این جهان، سبب هدایت دیگری شود، رابطه ی رهبری و پیروی بین آن دو، در قیامت به صورت عینی در می آید؛ شخصی که در این عالم امام و هادی بوده است، در آن جهان نیز به صورت امام و پیشوا و شخص هدایت شده به صورت مأموم و پیرو ظاهر می گردند.  
" يَوْمَئِذٍ لَا تَنْفَعُ الشَّفَاعَةُ إِلَّا مَنْ أَذِنَ لَهُ الرَّحْمَنُ وَرَضِيَ لَهُ قَوْلًا " (10)  
در آن روز شفاعت کسی سودی ندهد مگر آنکه [خدای] رحمان به او اذن دهد و گفتارش را [در مورد شفاعت از دیگران] بپسندد.

و یا در جای دیگری می فرماید:

" يا أيهاالَّذِينَ آمَنُوا أَنْفِقُوا مِمَّا رَزَقْنَاكُمْ مِنْ قَبْلِ أَنْ يَأْتِيَ يَوْمٌ لَا بَيْعٌ فِيهِ وَلَاخُلَّةٌ وَ لَا شَفَاعَةُ " (11)  
ای اهل ایمان! از آنچه به شما روزی کرده ایم انفاق کنید، پیش از آنکه روزی بیاید که در آن نه داد و ستدی است و نه دوستی و نه شفاعتی و کافرانند که خود ستمکارند.  
بنابراین، هم رهبران واقعی و حقیقی، شفیع و واسطه ی پیروان خود در جهان آخرت هستند و آنان را به سوی جنت و نعمت های الهی سوق می دهند و هم رهبران ضلالت و گمراهی مانند فرعون ها شفیع پیروان خود در رساندن آنان به دوزخ می باشند و این هر دو، تجسم رهبری و پیروی در همین جهان است. همچنین این نوع شفاعت در آخرت تحقق یافته و به ثمر می نشیند.

**نتیجه:**

در نتیجه این گفتار روشن شد که دامنه مفهومی مسئله شفاعت علاوه بر خواستگاه طبیعی موجود در شفاعت تکوینی، به واسطه تبعیت از قوانین الهی منجر به تشرف به شفاعت تشریعی می گردد. این دو شفاعت را می توان از گزینه های رحمت و مغفرت موجود الهی در این دنیا دانست. از سویی نمودهایی از مساله شفاعت را می توان یافت که در آخرت تحقق چشمگیری دارد، از آن جمله می توان به شفاعت تفضلی و یا مغفرت اشاره داشت که سبب رضای الهی و بخشایش گناهان می شود؛ ازسویی شفاعت رهبری گزینه کاملتری از شفاعت اخروی است که علاوه بر رفع و پالایش زشتی ها، موجب تکامل نقص استعداد معنوی و جبران ره آورد موجود در انسان گردیده و با زائل نمودن کاستیها و نقصانها مراتب عالی تری از کمال را برای آخرت انسان رقم می زند.

**پی نوشت ها**

- 1- تفسیرالمیزان، ج1، ص 242
- 2- سوره حدید، آیه 28
- 3- سوره زمر، آیه 54
- 4- سوره مائده، آیه 16
- 5- سوره مؤمن، آیه 7- سوره شوری، آیه 5
- 6- سوره مائده، آیات 9 و 35
- 7- سوره نساء، آیه 64
- 8- سوره اسراء، آیه 71
- 9- سوره هود آیه 98.
- 10- سوره طه، آیه 109
- 11- سوره بقره، آیه 254